

تحلیل سیره حضرت علی (علیه السلام) در مواجهه با چالش‌های ارتباطی میان فردی هواداران با تأکید بر مسائل اقتصادی

آیت‌الله احمدی شیخ شبانی^۱، حامد قرائنی^۲

چکیده

لغزش‌های اقتصادی از دیرباز از مهمترین چالش‌های نظام‌های حکومتی بوده و راهکارهای حکمرانان در مواجهه با این چالش‌ها متفاوت بوده است. در این میان بررسی لغزش‌های اقتصادی که مبتنی بر چالش‌های ارتباطی میان فردی است پیچیدگی و تأثیرگذاری بیشتری دارد. پژوهش حاضر باهدف تحلیل سیره حضرت علی (علیه السلام) در مواجهه با چالش‌های ارتباطی میان فردی هواداران با تأکید بر مسائل اقتصادی به شیوه توصیفی-اسنادی انجام شد. نتایج نشان‌دهنده به‌کارگیری راهکارهای معرفتی، اصلاحی یا بازدارنده در دو بُعد شخص‌محور و جامعه‌محور توسط امام علی (علیه السلام) برای حل چالش‌هاست. در بُعد شخص‌محور شامل راهکارهایی همچون تعدیل یا الغاء امتیازات مادی و معنوی، الزام به جبران خسارت توسط مجرم، جرم‌انگاری برخی اختیارات، اعمال قانون، بررسی و محاسبات مالی پیش از قضاوت و در بُعد جامعه‌محور شامل راهکارهایی همچون توجه دادن متخلفان به شرایط و انتظارات اجتماعی، ابطال رویه‌ها و راهکارهای فسادانگیز، آشکار کردن تخلف و مجازات، تنزل جایگاه اجتماعی متخلفان، معرفی الگوها، اظهار تبری از متخلفان، تعجیل در رسیدگی به تخلفات مالی، پذیرش شفاعت افراد معتبر است.

واژگان کلیدی: سیره امام علی (علیه السلام)، مسائل اقتصادی دوره امام علی (علیه السلام)، چالش‌های ارتباطی میان فردی، هواداران امام علی (علیه السلام).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم / دکتری مدرسی معارف، گرایش تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ایران.
Email: ahmadi1380@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم / استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ایران.
Email: gharaati_1359@yahoo.com

پیراستن مطالعات و پژوهش‌های تاریخی از بسترها و شرایط محیطی و نقد و بررسی پدیده‌ها و تحولات تاریخی در فضاها و مجرود و ذهنی باعث شده است تا واقع‌گرایی و کاربردی بودن این‌گونه مطالعات و پژوهش‌ها مورد تردید قرار گیرد. شرایط، مناسبات و تأثیر و تأثرهای فردی و اجتماعی در هر مقطع تاریخی باعث به وجود آمدن رویکردها، مواضع و اقدامات متنوع و متعددی از الگوها و اسوه‌های دینی شده است. ظهور یا تغییر یک یا چند عامل فردی یا اجتماعی موجب شده است تا معصومین علیهم‌السلام مبتنی بر حکمت، مواضع جدیدی ناظر به متغیرهای جدید اتخاذ کنند. توجه به شرایط محیطی اگرچه در حوزه متغیرهای اجتماعی کم‌وبیش مورد توجه بوده و هست، چالش‌هایی که ناظر به ارتباطات میان فردی بین امام علی علیه‌السلام و دیگران رخ داده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آنچه توسعه پژوهش‌ها در این حوزه را مهمتر می‌کند بررسی نتایج این چالش‌ها در یک حوزه خاص اجتماعی (مانند اقتصاد) و یا زمانی است که ناظر به فرد یا گروهی خاص مورد کاوش قرار گیرند. پژوهش حاضر تلاش دارد مبتنی بر منابع تاریخی، حدیثی و رجالی، راهکارهای امام علی علیه‌السلام در مواجهه با چالش‌های میان فردی در حوزه مسائل اقتصادی را براساس روش توصیفی-تحلیلی در دو بعد شخص محور و جامعه محور بررسی کند. به نظر می‌رسد بخشی از معضلات اقتصادی امام علی علیه‌السلام در دوره خلافت، برخاسته از چالش‌هایی است که در ارتباط امام علی علیه‌السلام و یکی از هواداران بروز و ظهور یافته است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند الگویی جامع و مبتنی بر معارف اسلامی در حل معضلات اقتصادی برخاسته از چالش‌های ارتباطی میان فردی در نظام اسلامی باشد. همچنین مراد از چالش، هرگونه مانع، اختلال و ناکارآمدی عامدانه و مراد از ارتباط میان فردی، موانع و اختلالات برخاسته از رابطه‌ای است که میان یک فرد خاص و امام علی علیه‌السلام بروز و ظهور کرده باشد. در پژوهش حاضر، مراد از هواداران، معنایی اعم از شعیه اصطلاحی و شامل خانواده، بستگان، شیعیان اعتقادی، شیعیان سیاسی^۱ و... است.

۱. شیعیان سیاسی کسانی هستند که نه به دلیل اعتقاد به امامت امامان شیعه، بلکه به دلیل برتری شخصیت انسانی و سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام از حاکمیت آنها طرفداری می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۱) و فقط در مسائل سیاسی، همراهی نسبی با اولاد حضرت علی علیه‌السلام را می‌پذیرفتند (جعفریان، ۱۳۸۱).



اهمیت چالش‌های میان‌فردی در حوزه اقتصادی آنجا روشن می‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام در چندین نامه از نهج‌البلاغه (سیدرضی، ۱۴۱۴هـ.ق) به این موضوع تصریح نموده است که دوره خلافت ایشان نیز شاهد موارد متعددی از این‌گونه چالش‌هاست. به جز مواردی که پژوهش حاضر به صورت تفصیلی به آنها می‌پردازد افراد دیگری نیز مرتکب چنین تخلفاتی شده بودند از جمله عبدالله بن عباس، منذر بن جارود (کارگزار امیرالمؤمنین علیه السلام در فارس) که چهارصد هزار درهم از خراج فارس را تصاحب کرد (نفقی، ۱۳۹۵/۲، ۵۲۲/۲). یا یزید بن حبیه تیمی که حکومت ری و نواحی آن را برعهده داشت و خراج آنجا را جمع‌آوری و برای خود برداشت (کلبی، ۱۴۰۷هـ.ق؛ نفقی، ۱۳۹۵/۲، ۵۲۵/۲، بلاذری، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۵۹/۲). مخنف بن سلیم، کارگزار اصفهان و همدان؛ نیز اموال بیت‌المال را سرقت کرد و متواری شد (منقری، ۱۳۷۰). همچنین امام علی علیه السلام عبدالله بن سوار عبدی (۴۷هـ.ق) را بر ولایت بحرین گماشت و او اموالی را از بحرین جمع کرد و گریخت (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۸هـ.ق).

۲. پیشنهاد پژوهش

سیره امام علی علیه السلام در عصر خلافت، پیش از این نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و آثار فاخری در این حوزه منتشر شده است، اما کمتر می‌توان به پژوهشی دست‌یافت که مسئله پژوهش حاضر را به صورت مستقل مورد کاوش قرار داده باشد. برخی از آثاری که ممکن است در بخش‌هایی از گزاره‌ها با تحقیق حاضر همپوشانی داشته باشند عبارتند از: کتاب *سیره اقتصادی امام علی علیه السلام*، تألیف سید رضا حسینی؛ کتاب *امام علی و اقتصاد اسلامی*، تألیف محمد دشتی؛ کتاب *سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین علیه السلام*، تألیف علی اکبر ذاکری؛ کتاب *ارتباطات در سیره امام علی علیه السلام*، تألیف غلامرضا حدادزاده و کتاب *سیره فرهنگی ارتباطی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دوران حکومت (در جست‌وجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی)*، تألیف سید محمد کاظمی قهفرخی. دیگر نوشته‌ها در این زمینه عبارتند از: *سیره اقتصادی امام علی علیه السلام*، نگارش احمد علی یوسفی؛ مقاله *مسیر ارتباطی در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام*، نگارش محمد مهدی نادری قمی و پایان‌نامه *اصول ارتباطات در سیره و سخن امام علی علیه السلام* نوشته مهدی متانت. این آثار هر یک بخشی از تاریخ و سیره زندگانی حضرت را بررسی کرده‌اند، اما از نظر روش و محتوا هیچ‌کدام از آثار

مشابه به مسئله محوری پژوهش حاضر نیست.

۳. راهکارهای امیرالمؤمنین علیه السلام در مواجهه با چالش‌های اقتصادی

امام علی علیه السلام در مواجهه با چالش‌های ارتباطی میان فردی هواداران که خواسته یا نخواستند در حوزه مسائل اقتصادی مرتکب خطاهایی شده و نابسامانی‌هایی برای آن حضرت و حکومتش ایجاد می‌کردند، اقداماتی برای اصلاح افراد و مبارزه با مفاسد اقتصادی و مدیریت جامعه انجام داد. امیرالمؤمنین علیه السلام این راهکارها را با راهبرد اساسی اجرای عدالت اقتصادی به کار بست و در مسائل مالی کمتر مسامحه‌ای نداشت. وی در اجرای عدالت اقتصادی و حفظ بیت‌المال بسیار دقیق بود. ایشان در ابتدای خلافت خود، روی این راهبرد که اصلی خدشه‌ناپذیر بود بسیار تأکید می‌کرد و فرمود:

به خدا سوگند! اموال تاراج‌شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصلی آن یا بیت‌المال بازمی‌گردانم اگرچه با آن، ازدواج کرده و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت، برای عموم گشایش است و آن کسی که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است. (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق)

۳-۱. راهکارهای شخص محور

راهکارهایی که امام علی علیه السلام برای اصلاح افراد در چالش‌های اقتصادی میان فردی به کار می‌بست، راهکارهای شخص محور است. این اقدامات در مواردی است که خطاهای فردی بوده و پیامدهای اجتماعی آن نیز کمتر بود و این راهکارها برای تنبیه و اصلاح افراد به کار گرفته می‌شد.

۳-۱-۱. تعدیل یا الغای امتیازات مادی و معنوی

سیاست اقتصادی امام علی علیه السلام در تقسیم برابر بیت‌المال اعتراضات زیادی را به‌ویژه در میان هواداران به وجود آورده بود. اعتراضاتی که بیشتر در قالب روابط و مناسبات فردی با امام علی علیه السلام بروز و نمود می‌یافت. برای نمونه سهل بن حنیف (م ۳۸ ه.ق) از اصحاب بدر و حکمران مدینه ناخرسندی خود از برابری سهم بیت‌المال بین او و برده‌اش را به امام علی علیه السلام ابراز داشت. امام علی علیه السلام با تعدیل امتیازات مادی، تنها تقوا را ملاک برتری دانست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۸/۷) و حتی در مورد برخی امتیازات معنوی نیز فرمود: «من در دستورات اسلام در میان فرزندان اسماعیل علیه السلام و دیگران تفاوتی و امتیازی جز به تقوا ندیدم» (ابن ابی



الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۸/۷). در گزارشی آمده است:

قبر جام‌هایی از طلا و نقره در رحبه نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آورد و عرض کرد: شما هر چیزی به دست می‌آوری را تقسیم می‌کنی، پس اینها را من برای شما پنهان کردم. پس امام علی علیه السلام شمشیرش را از نیام کشید و فرمود: «وای بر تو! آیا دوست داری آتش را به خانه من وارد کنی». آن‌گاه آن جام‌ها را با شمشیرش به سی و چند قسمت تبدیل کرد و فرمود: عریفان^۱ قبایل بیابند و سهم قبیله خود را بگیرند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۰۸/۲)

حضرت با جدیت، منابع اقتصادی را در مصارف تعیین شده آن هزینه کرد و به هیچ وجه اجازه نمی‌داد درخواست‌های خارج از ضوابط در سیاست‌های اقتصادی ایشان تغییر ایجاد کند. برای نمونه عبدالله بن زَمعه (م ۳۵ هـ.ق) که از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از یاران امام علی علیه السلام بود و در ابتدای خلافت ایشان درگذشت (ابن حجر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۹۶/۴) نزد امام علی علیه السلام آمد و از غنائمی که نزد حضرت بود، درخواست کرد، پس امام علیه السلام فرمود:

این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست. غنیمی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چون سهم آنان داشتی و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود. (سید رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق)

امام علی علیه السلام انتظار خواهر خود، ام‌هانی، مبنی بر رعایت جایگاه و طبقه نژادی و اجتماعی در بهره‌مندی‌های اقتصادی را چنین پاسخ داد: «برو، خدا تو را رحمت کند! ما در کتاب خدا برتری برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق ندیدیم» (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۱۱۵).

۳-۲. تمثیل و همانندسازی درخواست‌ها به جرائم فاحش

حقوق و انتظارات عرفی به‌ویژه در نظام‌های قبیله‌ای و خاندانی از مهمترین فرصت‌ها و تهدیدهاست. در این‌گونه مناسبات، دو متغیر بسیار تأثیرگذار است: نخست امکانات، اختیارات و منافع شخص مورد انتظار و دیگری قرابت و نزدیکی افراد با شخص مورد نظر. چنین مناسباتی باعث شده است که هر زمان فردی از یک خاندان سرشناس به منابع یا امکاناتی دست‌یابد حلقه‌های متعددی از انتظارات فردی، خانوادگی و اجتماعی به وجود آید و مانع انجام وظایف توسط وی شود. تأمین انتظارات، مشوقی برای درخواست‌های

۱. به کسی که عهده‌دار امور قبیله یا گروهی از مردم است و حاکم از طریق او از اوضاع و احوال آنان مطلع می‌شود، عریف گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۶۳/۹)



بیشتر و بی توجهی به آن، منشأ بروز مناقشات داخلی با دامنه‌های اجتماعی خواهد بود. برای نمونه امام علی علیه السلام درخواست برادر بزرگ‌تر خود عقیل را چنین توصیف می‌کند:

سوگند به خدا! عقیل را در فقر شدید و پریشان دیدم که یک‌من‌گندم از بیت‌المال شما را از من درخواست نمود و کودکانش را از پریشانی دیدم که با موهای غبارآلوده و رنگ‌های تیره مانند این بود که رخسارشان با نیل سیاه شده بود. عقیل برای درخواست خود اصرار کرد و سخنی را تکرار کرد. (سیدرضی، ۱۴۱۴هـ.ق)

در زمانی دیگر عقیل نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و تقاضای دریافت مالی برای ادای دیون خویش به مبلغ ۱۰۰ هزار درهم داشت. امام علیه السلام با بیان این مطلب که به اندازه بدهی او دارایی شخصی ندارد از او خواست تا هنگام تقسیم بیت‌المال صبر کند تا بخشی از آن را در اختیار او گذارد. عقیل معطل شدن برای دریافت سهم ناچیز بیت‌المال را با اینکه همه بیت‌المال در دست امام علی علیه السلام بود، نادرست و بی‌فایده خواند. امام علیه السلام با تأکید بر اینکه او و عقیل نیز در بیت‌المال همانند فردی از مسلمانان هستند درحالی‌که مشغول گفت‌وگو بالای دارالاماره و مشرف بر بازار کوفه بود از عقیل خواست اگر به نظر امام علیه السلام راضی نیست به طرف برخی از آن صندوق‌ها که اموال تاجران و بازرگانان بود، برود و قفل آن را بشکند و آنچه در آن هست را بردارد. عقیل گفت: «آیا به من دستور می‌دهی که صندوق‌های مردمی که اموالشان را در آن گذارده‌اند و به خدا سپرده‌اند را بشکنم». حضرت علیه السلام فرمود: «پس تو به من دستور می‌دهی که بیت‌المال مسلمانان را بازنمایم و اموالشان را که به خدا سپرده‌اند و بر آن قفل زده‌اند بشکنم و به تو بدهم». آن‌گاه حضرت علیه السلام فرمود: «آیا می‌خواهی شمشیر خود را به دست بگیریم و به طرف حیره برویم و ثروت تاجران ثروتمند آنجا را غارت کنیم». سپس در پاسخ به عقیل که برای دزدی نیامده است، فرمود: «اینکه از یکی از مسلمانان اموالش را بگیری، بسیار آسان‌تر است برای تو که از تمام مسلمانان دزدی کنی». (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۲/۱۰۹؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ۱/۶۴)

امام علیه السلام در این چالش ارتباط میان فردی با استفاده از تمثیل به مصداق آشکار و قیاس اولویت، عقیل را از ادامه درخواستش منصرف کرد. امام علی علیه السلام تمسک به راهکار تمثیل در همین ماجرا را چنین تشریح می‌کند:

من گفتارش را گوش دادم. او گمان کرد که دین خود را به او فروختم و از روش خویش دست برداشتم. به دنبال او می‌روم و هرچه گوید، انجام می‌دهم. پس

آهن پاره‌ای سرخ کردم و نزدیک او بردم تا عبرت بگیرد. از درد آن ناله و شیون کرد مانند ناله بیمار و نزدیک بود از اثر گرمای آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل! مادران در سوگ تو بگیرند. آیا از آهن پاره‌ای که آدمی آن را برای بازی خود سرخ می‌کند، ناله می‌کنی و مرا به سوی آتشی که خداوند قهار آن را برای خشم می‌افروزد، می‌کشانی. آیا تو از این رنج اندک می‌نالی و من از آتش دوزخ ننالیم. (صدوق، ۱۳۷۶؛ سیدرضی، ۱۴۱۴هـ.ق)

عبدالله بن جعفر، برادرزاده امیرالمؤمنین علیه السلام، بر اثر مشکلات اقتصادی و تنگدستی به آن حضرت عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! اگر صلاح می‌دانید، دستور دهید تا مقداری از بیت‌المال به من کمک شود. به خدا سوگند که نفقه زندگی‌ام را ندارم و آن قدر تنگدست شده‌ام که باید برخی از ستوران خود را بفروشم». حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود: «نه، به خدا سوگند! چیزی ندارم که به تو بدهم جز اینکه دستور دهی تا عمویت دست به سرقت و دزدی بزند و به تو بدهد». (تقی، ۱۳۹۵/۶۶) امام علی علیه السلام با استفاده از این راهکار، بزرگی خطا و گناه که گویا در چشم برخی افراد کوچک جلوه کرده بود را یادآور می‌شد و زمینه توجه آنها به ابعاد مجرمانه درخواست خود را فراهم می‌کرد.

۳-۱-۳. بخشش از سهم خود

امام علی علیه السلام در مواردی نسبت به شخص درخواست‌کننده و آنچه درخواست کرده بود راهکار بخشش از مال شخصی خود را اتخاذ می‌کرد. در مواردی مانند زمانی که یکی از افراد تحت تکفل، درخواست نابه‌جایی داشت که امکان تأمین آن با اموال شخصی بود، حضرت در صورت امکان به تأمین آن از اموال شخصی مبادرت می‌کرد و با ارشاد او را مایوس نمی‌کرد. یکی از همسران ایشان به نام ام عثمان در رجبه نزد ایشان آمد درحالی که پیش روی آن حضرت مقداری قرنفل (گل میخک) بود. عرض کرد: «ای امیرالمؤمنین! به اندازه گردنبندی از این شاخه گل به دخترم هدیه کن تا گردنبندی برای او فراهم شود». آن حضرت یک درهم به او داد و فرمود: «این قرنفل، سهم تمام مسلمانان است. صبر کن تا سهم ما از آن به دستمان برسد تا آن را به دخترت هبه کنم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹/۲/۱۰۹). در موردی دیگر، امام علی علیه السلام پس از تقسیم بیت‌المال متوجه شد که نام فردی از دفتر افتاده است. از این رو، سهم خود را که مانند دیگران بود به او بخشید (مفید، ۱۴۱۳هـ.ق).

۳-۱-۴. جبران خسارت توسط افراد مجرم

در برخی منابع آمده است:



ام کلثوم، دختر امام علی علیه السلام، از عمرو بن سلمه، والی امیرالمؤمنین علیه السلام، در اصفهان درخواست کرد که مقداری از عسل و روغنی که از بیت‌المال به کوفه آورده بود را برای او بفرست؛ عمرو اجابت کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از اطلاع از موضوع از ام کلثوم خواست تا آن دو ظرف را بازگرداند. وقتی آن دو ظرف را برگرداند آن حضرت متوجه شد که مقداری از آنها کم شده است. دستور داد تا آن مقداری که کم شده بود را اهل خبره قیمت‌گذاری کنند. آنها مبلغ سه درهم را تعیین کردند. امیرمؤمنان علیه السلام کسی را فرستاد تا سه درهم را از ام کلثوم بگیرد. او نیز سه درهم را خدمت پدر فرستاد. حضرت آن سه درهم را بر اموال بیت‌المال اضافه کرد و سپس همه را بین مسلمانان قسمت کرد. (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ۴۷۹/۴۲)

۳-۱-۵. جرم‌انگاری برخی اختیارات

در مواردی ممکن است تن دادن به درخواست نزدیکان مستوجب حرامی نباشد و فقط استفاده از اختیارات در مورد خواص دانسته شود. بااین‌وجود، امام علی علیه السلام این را هم جرم می‌دانست و کارگزارانش را از اعمال چنین اختیاراتی برحذر می‌داشت. یکی از دختران امیرالمؤمنین علیه السلام گردن‌بند مرواریدی را از علی بن ابی‌رافع، خزانه‌دار بیت‌المال، به صورت عاریه مضمونه گرفت تا در ایام عید قربان از آن برای زینت استفاده کند و پس از سه روز آن را بازگرداند. امام علی علیه السلام آن گردن‌بند را که دخترش به گردن آویخته بود شناخت و به ابن ابی‌رافع فرمود: «به مسلمانان خیانت می‌کنی». گفت: «این را خودم ضمانت کردم». حضرت فرمود: «همین امروز آن را پس بگیر و به جای خود بازگردان و از این پس سعی کن که دیگر این‌گونه کارها از تو تکرار نشود که سخت مورد مؤاخذة و عقوبت من قرار خواهی گرفت». (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۵۲/۱۰؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۰۸/۲)

۳-۱-۶. اعمال قانون بدون در نظر گرفتن جایگاه و امتیازات اجتماعی

در مواردی برخی تخلفات اقتصادی نه به دلیل تردید در مجرمانه بودن بلکه به دلیل تردید در اجرای قانون در مورد اشخاص رخ می‌دهد. با این توضیح که افراد خاص با آگاهی از مجرمانه بودن عمل خود فقط به این دلیل مرتکب تخلفات مالی می‌شوند که به دلیل جایگاه اجتماعی، اجرای قانون در مورد خود را منتفی می‌دانند. امام علی علیه السلام در طول مدت خلافت خود و به‌ویژه در مورد هواداران، احتمال پذیرفته شدن چنین بهانه‌هایی را قاطعانه از بین برد. در ماجرای به امانت گرفته شدن گردن‌بندی از بیت‌المال توسط یکی

از دخترانش فرمود: «اگر دخترم این گردنبند را به غیر از عاریه مضمونه گرفته بود هرآینه اولین زن هاشمی بود که دستش به خاطر سرقت از بیت المال بریده می شد» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۵۱/۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۰۸/۲). همچنین علی بن اصمغ که امیرالمؤمنین علیه السلام او را بر بارگاه یا سفوان ولایت داده بود مرتکب خیانتی اقتصادی شد. حضرت علیه السلام او را عزل و انگشتانش را قطع کرد (علم الهدی، ۱۳۷۷) و ملاحظه موقعیت اجتماعی او و اینکه کارگزار حکومت است را نکرد.

۳-۱-۷. بررسی و محاسبات مالی پیش از قضاوت

با تکیه بر گزارش های متعدد، امام علی علیه السلام در عصر خلافت خود، به مجرد دریافت گزارش هایی مبنی بر تخلفات مالی کارگزاران یا هوادارانش با درخواست نام آنها می خواست که صورت های مالی خود را ارسال کنند تا بررسی شود. این موضوع باعث می شد تا به گزارش ها و آرای عمومی توجه شود و گزارش های مغرضانه موجب سرافکندگی کارگزاران صالح نشود. البته این موضوع در مواردی نیز موجب ناخرسندی برخی از خواص می شد مانند آنچه به اختلاف در مورد گزارش ابوالاسود دوئلی از تخلفات مالی عبدالله بن عباس^۱ در منابع آمده است. (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۶۹/۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ۱۴۱/۵؛ ابن عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۰۲/۵؛ ابوهلال، ۱۴۰۸ هـ.ق؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۳۸۶/۳)

براساس این گزارش، امام علی علیه السلام در نامه ای با اعلان وصول خبری مبنی بر تصرف ابن عباس در اموال تحت اختیارش از او خواست حساب مالی اش را برای امام علیه السلام ارسال کند. ابن عباس در نامه ای از امام علی علیه السلام خواست بدگمانی دیگران را نسبت به او باور نکند. امام علی علیه السلام در پاسخ مجدد بر حسابرسی اموال تأکید کرد تا ابن عباس مشخص کند هر مالی را از کجا گرفته و با آن چه کرده است. این بار ابن عباس نامه تندی به امام علیه السلام نوشت و حضرت را به قتل و ریختن خون هایی برای رسیدن به حکومت متهم کرد^۲ و از مسئولیت خود استعفا داد. امام علی علیه السلام در پاسخ به او با سهیم دانستن او در ریخته شدن خون ها این فرافکنی او را سرزنش کرد و پس از اطلاع از اینکه ابن عباس به مکه رفته و اقدام به خرید املاک، خانه و کنیز کرده است وی را به شدت سرزنش نمود. ابن عباس در پاسخ

۱. ابوالعباس عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مشهور به ابن عباس از صحابه رسول خدا و شاگردان امیرالمؤمنین، محدث و مفسر بزرگ بود. در مقام یک فرمانده نظامی در جنگ های جمل، صفین و نهروان و یک سیاستمدار در قامت سفیر و استاندار با موفقیت انجام وظیفه کرد. وی گزینه مورد نظر امام علی علیه السلام در جریان حکمیت بود. (دینوری، ۱۳۶۸)
 ۲. متهم کردن امام علی علیه السلام به خون ریزی برای حکومت در گزارش طبری نیست.



یادآوری کرد که حق او از بیت‌المال بسیار بیشتر از آن مقداری است که برداشته است. پس از آن امام علیه السلام آخرین نامه هشدارآمیز خود را برای او فرستاد.^۱ این چالش اگرچه در قالب نامه‌نگاری‌های شخصی و از مصادیق چالش ارتباط میان فردی بود، اما به دلیل موضوع چالش نمی‌توان ابعاد آن را به مناسبات فردی و خانوادگی محدود دانست؛ زیرا او یکی از بزرگ‌ترین کارگزاران و بستگان حضرت علی علیه السلام بود و دشمنانی چون معاویه و عمروعاص وی را مؤثرترین شخصیت در خلافت امام علی علیه السلام پس از خود امام می‌دانستند. (منقری، ۱۳۷۰) این تخلف در سال چهلیم هجری - قمری و زمانی رخ داد که حضرت علی علیه السلام پس از جنگ صفین دچار فتنه حکمیت و سستی و خستگی سربازان شده (بلاذری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۷۱/۲) و گروهی از فرماندهان و کارگزارانش نیز به معاویه ملحق شده بودند (طبری، ۱۳۸۷، ۵/۱۴۲). در همین مقطع، معاویه با آگاهی از اختلال در خلافت امام علی علیه السلام خرابکاری‌ها و غارت‌های مشهور خود را در قلمروی امام علی علیه السلام آغاز کرد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ ه.ق، ۴/۲۱۹). اموال اختلاس شده توسط ابن‌عباس نیز می‌توانست مشکلاتی چون رسیدگی به خانواده‌هایی که سرپرست خود را در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان از دست داده بودند، مرتفع کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۳/۳۹۹). این چالش هنگامی تشدید شد که ابن‌عباس از اقدام خود دفاع کرد و حاضر به پذیرش تخلف خود نشد؛ هرچند ظواهر نشان می‌دهد که ابن‌عباس در نهایت به سمت امام علی علیه السلام بازگشته است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ ه.ق، ۴/۲۳۲).

۳-۸. خودداری از انتساب تخلف به متهم پیش از اثبات

امام علی علیه السلام مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تا پیش از اثبات جرم، نسبت به متهمان قضاوت نمی‌کرد؛ زیرا قضاوت قبل از اثبات صرف نظر از اینکه از مصادیق هتک حرمت مؤمنین است موجب اشاعه و شکسته شدن قبح اختلاس و تخلفات مالی می‌شد. آن حضرت علیه السلام حتی در روابط خصوصی یا نامه‌نگاری‌ها نیز تلاش می‌کرد تا حقی از متهم ضایع نشود. برای نمونه در نامه‌ای به یکی از کارگزارانش نوشت: «به من درباره تو خبر رسیده است که دچار تخلف شده‌ای. اگر این چنین باشد...» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق). یا در نامه خود به مصقله کارگزار اردشیرخره^۲ نیز یادآور

۱. از بین منابعی که این جریان در آن بیان شده است، سه منبع زیر کامل‌ترین گزارش‌ها را ارائه کرده‌اند که متن هر سه مانند هم بوده و یک سلسله سند دارد. (بلاذری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۱۶۹؛ ابن‌عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۵/۱۰۲؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۰۸ ه.ق) ۲. اردشیر خُرّه، از بهترین ایالت‌های ایران بود که اردشیر بابکان، آن را بنا نهاد. شیراز و میمند و کارزون، از جمله شهرهای آن است.

شد: «گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی....» (سید رضی، ۱۴۱۴هـ.ق، نامه ۴۳) و در آشنای نامه دوباره می نویسد: «اگر این گزارش درست باشد...» (سید رضی، ۱۴۱۴هـ.ق). همچنین در نامه به منذرین جارود نوشت: «اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد...» (سید رضی، ۱۴۱۴هـ.ق، نامه ۷۱). امام علی علیه السلام سعی می کرد صحت و سقم اخباری را که از تخلفات کارگزارانش به او می رسید از خود آنها جویا شود که اگر خلاف آن بود کارگزار تکذیب کند و حتی در مواردی حضرت علیه السلام افرادی را برای تحقیق پیرامون موضوع به آن منطقه می فرستاد (امینی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۱۱/۶۷).

۲-۳. راهکارهای جامعه محور

مقصود از راهکارهای جامعه محور، راهکارهایی است که برای توجه دادن متخلفین به تبعات اجتماعی اقداماتشان و برای ارائه اصلاحات در حیطة جامعه به کار گرفته می شود.

۱-۲-۳. توجه دادن متخلفان به شرایط و انتظارات اجتماعی

امام علی علیه السلام به ویژه در مواردی که درخواستی از سوی برخی بستگان مطرح می شد ایشان را به بُعد دیگر قضیه توجه می داد که بستگان مسئولان، زمانی به مکتب می رسند که بیشترین افراد جامعه چنین سطحی از برخورداری را داشته باشند. به نظر می رسد از نظر ایشان، بستگانش نباید از نظر رفاه اجتماعی متمایز از دیگران باشند بلکه باید آخرین سودبرندگان از منابع و بهره های مالی باشند. از مصادیق چنین راهکاری می توان درخواست ام کلثوم مبنی بر در اختیار داشتن گوهری کمیاب را که از بصره برای آن حضرت علیه السلام آورده بودند، مشاهده کرد. در این ماجرا ام کلثوم خواست که حداقل برای زینت، این گوهر را مدتی در اختیار داشته باشد، اما حضرت علی علیه السلام به دخترش فرمود: «هرگز به چنین چیزی نخواهی رسید مگر آنکه هیچ زنی از زنان مسلمان نباشد جز اینکه شبیه آنچه را که می خواهی، داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ.ق، ۱۰۶/۴۰). در گزارش دیگری حضرت علی علیه السلام در مورد درخواست مشابه یا همان مورد فرموده بود: «ای دختر علی! هوای نفس، تو را از حق دور نگرداند. آیا به نظر تو تمام زنان مهاجرین در چنین روزی (عید قربان) همانند آنچه تو به گردن آویختی، زینت می کنند» (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۵۲/۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲/۱۰۸).

۲-۲-۳. ابطال رویه ها و راهکارهای فساد انگیز

در مواردی مناسبات و رویه های متداول، انتظاراتی را ایجاد کرده بود که افراد مبتنی بر



آن مرتکب تخلفات مالی می‌شدند. در این میان ابطال و متوقف کردن این رویه نیازمند جسارت، شهامت و تحمل هزینه‌های اجتماعی و سیاسی بود. در نمونه‌ای از چالش‌های میان فردی، آن حضرت (علیه السلام) با یکی از کارگزاران خود به نام مصقله بن هبیره شیبانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را بر اردشیرخره حاکم کرده بود، آمده است که پس از جنگ صفین، طایفه بنی‌ناجیه در جنوب ایران خروج کردند (طبری، ۱۳۸۷، ۵/۱۲۲؛ ثقفی کوفی، ۱۳۹۵، ۱/۲۲۹-۳۴۶؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۳۴۲). امام (علیه السلام) فردی به نام معقل بن قیس را برای سرکوبی آنها فرستاد. معقل پس از پیروزی بر بنی‌ناجیه آنها را به اسارت گرفت تا در کوفه نزد امام (علیه السلام) بیاورد. در بین راه، مصقله بن هبیره اسیران بنی‌ناجیه را به یک میلیون درهم خرید. نیمی از قیمت آنها را پرداخت کرد و وعده داد که به زودی باقی مانده بدهی‌اش را به کوفه خواهد فرستاد. پس از آنکه معقل بن قیس گزارش فروش اسرای بنی‌ناجیه را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داد، آن حضرت (علیه السلام) با آنکه کار او را پسندید همچنان در انتظار بود که مصقله مال را بفرستد. آنگاه خبر یافت که مصقله اسیران را آزاد کرده و از آنها نخواست که در کار آزادی خویش مساعدت کنند. امام علی (علیه السلام) پیش‌بینی کرد مصقله از عمل به تعهدی که کرده عاجز خواهد ماند. او تا مدتی در پرداخت آن تعلل کرد و نتوانست بدهی خود به بیت‌المال را ادا کند؛ زیرا او انتظار داشت امام علی (علیه السلام) باقی مانده بدهی‌اش را ببخشد و می‌گفت اگر عثمان یا معاویه چنین مطالبه‌ای از من داشتند و من توانایی پرداخت نداشتم مرا رها می‌کردند. مصقله سپس به کوفه نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد. حضرت علی (علیه السلام) چند روزی به وی فرصت داد و سپس مال را از او خواست. وی دویست هزار درهم تحویل داد و در پرداخت باقی مانده عاجز ماند و چون دید امام علی (علیه السلام) او را از باقی مانده معاف نداشته و بر پرداخت بهای باقی مانده تأکید دارد، فرار کرد و به معاویه پیوست (طبری، ۱۳۸۷، ۵/۱۲۸).

۳-۲-۳. آشکار کردن تخلف و مجازات

اگرچه ممکن است بسیاری از درخواست‌های نامشروع مالی همانند مسئله تحقیق حاضر در فضای ارتباط میان فردی مطرح شود، اما اطلاع جامعه از عکس‌العمل امام علی (علیه السلام) در قبال این درخواست‌ها می‌تواند برای همه جامعه آموزنده باشد. از این رو، امام علی (علیه السلام) در برخی موارد و با رعایت مصالح و مفسد عمومی جامعه اقدام به آشکارسازی مفسد و

مجازات‌های مربوطه می‌کرد. برای نمونه یکی از کارگزاران آن حضرت علیه السلام به نام سعد بن عمرو انصاری در مسئله خراج دچار لغزش مالی شد. امام علی علیه السلام وی را به ستونی در مسجد بست تا کسری خراج را جبران کند. (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۶۳/۲) در گزارشی دیگر، علی بن اصمغ از سوی امام علی علیه السلام برای ناظر بازار بصره انتخاب شد، اما به آن حضرت علیه السلام خیانت کرد و بعد از احراز خیانت انگشتانش بریده شد (سید مرتضی، ۱۳۷۷).

۳-۲-۴. اعمال فشار و تنزل جایگاه اجتماعی متخلفان

امام علی علیه السلام در کنار احتیاط‌های معمول در بررسی تخلفات در مورد تخلفات مالی کمتر اغماض می‌کرد و در گفت‌وگوها و مکاتبات خصوصی با کارگزاران و هوادارانش جدیت خود نسبت به عقوبت تخلفات مالی را یادآور می‌شد. آن حضرت در نامه‌ای به مصقله بن هبیره یادآور شد و نوشت: «در صورت اثبات تخلفات مالی، خشم خدا را خریده و نافرمانی امر پیشوایت را کرده‌ای. اموالی را که به خویشانت بخشیدی، غنیمت مسلمانان است که با نیزه‌ها و اسب‌هاشان و ریخته شدن خونشان به دست آمده است». آن حضرت علیه السلام همچنین به این نکته تصریح کرد: «اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک شده است، پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیان‌کارترین انسانی. آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است و همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند». حتی زمانی که حضرت علی علیه السلام از فرار مصقله مطلع شد او را نفرین و خانه‌اش را مصادره کرد (طبری، ۱۳۸۷/۵، ۱۲۸). همچنین امام علیه السلام در نامه‌ای که به زیاد بن ابیه نوشت او را نسبت به دست‌درازی به بیت‌المال انداز داد و از عقوبت آن ترساند و فرمود: «من به خدا سوگند! می‌خورم اگر به من خبری رسید که در مال مسلمانان خیانت کردی، کوچک باشد یا بزرگ، بدان بر تو آن چنان سخت گیرم که تهی دست شوی و هزینه زندگی بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار گردی» (سید رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق).

امام علیه السلام همچنین در خطاب به یکی از کارگزارانش که مرتکب تخلف مالی بود، نوشت: «اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه فرمانی را اجرا کند یا مقامش بالا رود یا شریک در امانت باشد یا از خیانت او در امان ماند». (سید رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۶۳/۲)

۱. از فحوای نامه ۴۳ نهج البلاغه به دست می‌آید، این نامه غیر از آن چیزی است که در جریان بنی‌ناجیه اشاره شد.

۳-۲-۵. معرفی الگوها و افراد معیار مورد شناخت متخلفان

در برخی از موارد که چالش تخلف اقتصادی رخ می‌داد امام علی علیه السلام افراد را به چهره‌های مثبت و الگوهای از میان خودشان توجه می‌داد. امام علیه السلام در مواجهه با خیانت مندرین جارود عبدی در نامه‌ای به وی ابتدا این نکته را یادآوری فرمود: «من به دلیل شایستگی پدرت به تو خوش بین بودم و گمانم بر این بود که تو نیز مانند پدرت هستی و راه او را می‌روی». امام علیه السلام در این نامه علت اعتماد به او را درستی پدرش جارود عبدی ذکر کرد و چهار مورد از مصادیق فاصله گرفتن مندر از راه پدرش را برشمرد (سیدرضی، ۱۴۱۴ه.ق؛ بلاذری، ۱۴۱۷ه.ق، ۱۶۳/۲).

۳-۲-۶. اظهار تبری از متخلفان مالی در ملأ عام

یکی دیگر از راهکارهای امام علی علیه السلام در مواجهه با چالش‌های میان فردی در حوزه معضلات اقتصادی، اظهار تبری از متخلفان مالی بود، به‌ویژه در مواردی که متخلفان از دست قانون گریخته و به‌نوعی امکان مجازات ایشان فراهم نبود؛ زیرا این افراد به دلیل فرار از مجازات ممکن است از سوی عوام به‌زیرکی ستوده شوند. از این رو، حضرت علی علیه السلام هم خود نسبت به این‌گونه افراد ابراز تبری می‌کرد و هم اصحاب خود را به این کار توصیه می‌کرد. از جمله این موارد، اختلاس یزیدبن حجیه تیمی عامل حضرت علیه السلام در ری است که به دلیل تخلفات مالی به کوفه احضار شد، اما توانست از حبس گریخته و به معاویه بپیوندد. (کلبی، ۱۴۰۷ه.ق) حضرت پس از اطلاع از این موضوع او را نفرین کرد و از اصحاب خود خواست دست‌ها را به آسمان برداشته و او را چنین نفرین کنند: «پروردگارا! یزیدبن حجیه با اموال مسلمانان فرار کرد و به فاسقین پیوست، ما را از مکر و توطئه او کفایت کن و به او جزای ظالمین ده» (ثقفی، ۱۳۹۵، ۲، ۵۲۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷ه.ق، ۴۵۹/۲).

۳-۲-۷. تعجیل و شتاب در رسیدگی به تخلفات مالی

سستی یا عدم اهتمام نسبت به بررسی تخلفات اقتصادی و حتی تأخیر در بررسی آنها یکی از زمینه‌های مهم لغزش متخلف و حتی سایر افراد در تخلفات مالی است؛ زیرا تأخیر در بررسی و مجازات موجب تحقیر حق و تقویت باطل خواهد بود. امام علی علیه السلام در موارد

۱. مندر کسی است که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره او فرمود: «او بدو جانب خود بسیار می‌نگرد، و در دوبرد (جامه یمنی پریهای) خویش می‌خرامد و بسیار گرد و خاک از روی کفش‌هایش پاک می‌کند». به عبارت دیگر مرد متکبر و گردنکشی است که به خود و لباسش می‌نازد و به آرایشش می‌پردازد. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ه.ق، ۱۰۷۵/۵)



متعددی به گزارش تخلفات مالی ترتیب اثر داده و با ارسال ناظر یا استعلام از خود افراد به تخلفات رسیدگی می‌کرد. حضرت به‌ویژه پس از اثبات تخلف در اولین فرصت، مجرم را مجازات می‌کرد. در ماجرای ابن هرمه، یکی از مأمورین انضباط اقتصادی بازار اهواز که مرتکب تخلف مالی شده بود به‌سرعت نامه‌ای به این مضمون به رفاع حاکم اهواز نوشت: وقتی که نامه‌ام به دستت رسید و خواندی، بلافاصله ابن هرمه را از مسئولیت بازار عزل کن. به خاطر حقوق مردم او را زندانی کن و علیه او همه را باخبر کن تا اگر شکایتی دارند، بگویند و مسئله را به همه کارمندان زیر دستت گزارش کن تا نظر مرا بدانند. در این کار نسبت به ابن هرمه غفلت و کوتاهی نکن که هم نزد خدا هلاک خواهی شد هم به بدترین وجه تو را از کار برکنار می‌کنم. به خدا پناهت می‌دهم که در این کار کوتاهی نشود. (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ۲۰۷/۳)

۳-۲-۸. پذیرش شفاعت افراد معتبر و چشم‌پوشی

امام علی علیه السلام در مواردی که امکان اغماض و چشم‌پوشی وجود داشت نسبت به شفاعت و وساطت افراد معتبر بی تفاوت نبود و در مواردی آن را می‌پذیرفت به طوری که صعصعه بن صوحان از منذر بن جارود که به دلیل اختلاس زندانی شده بود، شفاعت نمود. البته نباید از این نکته غفلت کرد که این شفاعت فقط در بخشیدن مجازات حبس او بوده است، ولی رد مال و ادای دین نسبت به بیت‌المال به هیچ‌وجه از منظر امام علیه السلام قابل اغماض و شفاعت نبود. (ر.ک.، ثقفی، ۱۳۹۵، ۵۲۲/۷)

۴. نتیجه‌گیری

دوران خلافت امام علی علیه السلام به دلیل شرایط محیطی و اجتماعی شاهد تحولات عمیق و فراگیر اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و فرهنگی بود. حضرت به دلیل سابقه و جایگاه ممتاز اجتماعی و نقش‌آفرینی‌اش در حوادث صدر اسلام روابط پیچیده و گسترده‌ای با گروه وسیعی از افراد صاحب نام و قدرت داشت و پس از خلافت نیز این روابط از نظر کمی و کیفی گسترش چشم‌گیری یافت. در این میان، چالش‌های ارتباطی میان امام علی علیه السلام و برخی از هواداران در حوزه‌های مختلف اقتصادی، زمینه‌ساز حوادث، چالش‌ها و مناقشات متعددی شد که هر یک بحران‌هایی را به وجود آورد. بحران‌هایی که ممکن است در هر



عصر و زمان و به‌ویژه در حکومت‌های دینی فرصت بروز و ظهور مجدد یابند. پژوهش حاضر تلاش کرد با تکیه بر منابع تاریخی و حدیثی راهکارهای امام علی علیه السلام در مواجهه با چالش‌های ارتباطی میان فردی حضرت در حوزه مسائل اقتصادی را در دو بعد شخص محور و جامعه محور بررسی کند. بررسی‌ها نشان داد که حضرت علیه السلام با دیدگاه جامع‌الاطراف و ناظر به مصلحت، عدالت، هدایت و رسالت دینی و اجتماعی خود مجموعه‌ای از راهکارهای معرفتی، اصلاحی و بازدارنده را به کار بست که هدف کلی از همه آنها محدود کردن دایره تخلفات و جلوگیری از توسعه مصداقی و انعکاس اجتماعی این نوع از تخلفات بود. حضرت علیه السلام با وجود اهتمام ویژه به پیگیری و مجازات متخلفان اقتصادی به‌ویژه از میان هواداران، هیچ‌گاه از مجازات و معرفی مجرمان، اهداف سیاسی نداشت و اجرای عدالت را ابزاری برای منافع و مصالح شخصی یا حزبی خود نمی‌دانست. ایشان تلاش کرد حاشیه‌های امن برای متخلفین را از بین ببرد و از متداول و عادی شدن این‌گونه تخلفات جلوگیری کند. امام علی علیه السلام اعمال عدالت و احقاق حقوق اقتصادی جامعه را حتی بر دوام یافتن حکومت خود مقدم داشت و از ناخرسندی و ملامت دوستان، کارگزاران، بستگان و حتی فرزندان در مورد احقاق حق نهراسید.

فهرست منابع

- * قرآن مجید (۱۳۸۹). مشکینی، علی. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. محقق: ابراهیم، محمدابوالفضل. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 ۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادره.
 ۳. ابن اعثم، ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (۱۴۱۱ ه.ق). الفتوح. محقق: شیری، علی. بیروت: دارالاضواء.
 ۴. ابن حجر، احمد بن علی عسقلانی (۱۴۱۵ ه.ق). الاصابه فی تمییز الصحابه. محقق: عادل احمد عبدالموجود، و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. قم: علامه.
 ۶. ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۴ ه.ق). العقد الفرید. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۱۵ ه.ق). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
 ۸. ابن کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ه.ق). البدایه و النهایه. بیروت: دارالفکر.
 ۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. محقق: میردامادی، جمال‌الدین. بیروت: دارالفکر.
 ۱۰. ابوهلال عسکری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ ه.ق). الاوابیل. طنطا، مصر: دارالبشیر.
 ۱۱. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ ه.ق). الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
 ۱۲. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ه.ق). انساب الاشراف. محقق: سهیل زکار، و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
 ۱۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵). الغارات. محقق: محدث، جلال‌الدین. تهران: انجمن آثار ملی.

۱۴. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*. قم: انصاریان.
۱۵. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸). *الاخبار الطوال*. محقق: عبدالمنعم عامر. قم: منشورات الرضی.
۱۶. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ه.ق). *نهج البلاغه*. محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۷. سیدمرتضی، علم الهدی (۱۳۷۷). *تنزیه الانبیا*. قم: دارالشریف الرضی.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶). *امالی*. تهران: کتابچی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الامم والملوک والرسول*. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *التهدیب*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۹ ه.ق) ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
۲۲. قاضی نعمان، محمد بن نعمان (۱۴۰۹ ه.ق). *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار* علیهم السلام. قم: جامعه مدرسین.
۲۳. کلینی، محمد بن هشام (۱۴۰۷ ه.ق). *جمهره النسب*. محقق: ناجی حسن. بیروت: عالم الكتاب.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار* علیهم السلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (الف ۱۴۱۳ ه.ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. محقق: مؤسسه آل البيت. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (ب ۱۴۱۳ ه.ق). *الجمال والنصره لسید العتره*، فی حرب البصره. محقق: میرشریفی، علی. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (منسوب) (ج ۱۴۱۳ ه.ق). *الاختصاص*. محقق: غفاری، علی اکبر. و محرمی، محمود. قم: کنگره بین المللی مفید.
۲۸. منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰). *بیکار صغین*. مترجم: پرویز اتابکی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.

